

# چهل روایت زنانه از یک جنایت رژیم صهیونی

1 تیر 1404

کتاب «دشواری مبارک» تازه‌ترین اثر فائزه غفارحدادی است که با روایتی مستند و انسانی، به یکی از کم‌سابقه‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین جنایت‌های رژیم صهیونیستی می‌پردازد. جنایتی که نه با بمب و موشک، بلکه با ابزار کوچکی به نام پیجر، در قلب لبنان به وقوع پیوست.

این کتاب خرده‌روایت‌هایی از حادثه انفجار پیجرها در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴) را در خود جای داده است. روایاتی که از زبان ۴۰ زن بازگو می‌شود؛ زنانی که یا خود از بازماندگان و شاهدان مستقیم این فاجعه‌اند یا عضوی از خانواده‌شان در این رخداد هولناک، شهید یا به شدت مجروح شده است.

کتاب «دشواری مبارک» روایتی است از حدود ۴۰ مورد از این چهار هزار حادثه هم‌زمان؛ روایت‌هایی که نه از زبان قربانیان، بلکه از زاویه دید زنان و اعضای خانواده آن‌ها بازگو شده‌اند. این انتخاب روایی، بُعدی انسانی، احساسی و در عین حال مستند به کتاب داده است؛ زنانی که زندگی‌شان به پیش و پس از فاجعه تقسیم شده و روایت‌شان چیزی فراتر از درد شخصی است. سندی برای ثبت جنایتی مدرن در تاریخ.

آنچه «دشواری مبارک» را متمایز می‌سازد، تمرکز آن بر روایت‌های زنانه از یک جنایت نظامی است. در بیشتر فصول کتاب، راویان زنانی هستند که با رشته‌های محبت، مسئولیت، مادری، همسری یا خواهری به یک قربانی متصل بوده‌اند. تجربه زیسته آن‌ها، روایتی است از فقدان، شوک، امید، پایداری و در نهایت، بازسازی معنوی خویشتن پس از یک ضربه شدید روانی.

در یکی از روایت‌ها، زنی تعریف می‌کند که همسرش در لحظه انفجار پیجر، در خانه بود و تنها به‌واسطه چند ثانیه تأخیر از مرگ نجات یافت. در داستانی دیگر، مادری از پسر ۱۷ ساله‌اش می‌گوید که تنها کاری که می‌توانست برای پدرش انجام دهد، بردن پیجر به اتاق برای شارژ کردن آن بود؛ کاری که به انفجار منجر شد. این جزئیات ساده، اما قابل توجه از کتاب چهره‌ای انسانی ساخته‌اند که فراتر از تحلیل‌های سیاسی و نظامی، به تجربه واقعی مردم از خشونت می‌پردازد.



کتاب «دشواری مبارک» تنها گزارشی تاریخی از یک فاجعه نیست، بلکه سندی از شیوه‌های نوین ترور و جنایت در عصر فناوری است. وقتی تصور عمومی از تهدید، بمب و موشک و گلوله است، این کتاب نشان می‌دهد که در قرن ۲۱، دشمن می‌تواند حتی وسیله‌ای بی‌خطر و روزمره مانند پیجر را به ابزاری کشنده تبدیل کند. جنایتی که نه در میدان جنگ، بلکه در خانه‌ها، خیابان‌ها، مراکز درمانی و حتی هنگام استراحت شبانه رخ می‌دهد.

این موضوع، به طور ضمنی مسئله امنیت در عصر ارتباطات را نیز زیر سوال می‌برد. از خلال روایت‌ها درمی‌یابیم که در جهان امروز، دیگر هیچ ابزار کاملاً امنی وجود ندارد و حتی بی‌خطرترین وسایل نیز می‌توانند تبدیل به ابزاری برای کنترل، ارباب و حذف فیزیکی شوند.

اما کتاب تنها به تصویر رنج و فاجعه بسنده نمی‌کند. نویسنده با انتخاب روایت‌هایی خاص، تأکید دارد که این افراد، صرفاً قربانیان یک جنایت نیستند؛ بلکه در موقعیتی ناخواسته، به نمادهایی از پایداری و پیام‌رسانی تبدیل شده‌اند. آن‌ها صدای زنده‌ای هستند از حقیقتی که دشمن تلاش داشت خاموش کند، اما در نهایت نتوانست. یکی از راویان کتاب، از همسر جانبازش نقل می‌کند که در بیمارستان، با وجود از

دست دادن بینایی و یک دست، خطاب به همراه مجروح دیگری می‌گوید: «به اهل بیت توسل کن، دردت کمتر می‌شه» و سپس ادامه می‌دهد: «کاش شهادت قسمتم می‌شد، ولی اشکال نداره؛ دست و چشمم فدای ابوالفضل شد.» این‌گونه جمله‌ها، در فضای رنج‌آلود کتاب، از جنس روایت‌های حماسی‌اند؛ روایاتی که پیام‌آور نوعی معنابخشی به رنج و مقاومت در دل فاجعه‌اند.

نویسنده در مقدمه کتاب، هدف خود را «روایت گوشه‌ای از یک جنایت خاموش» عنوان کرده و تأکید دارد که این روایت‌ها، باید به گوش جهانیان برسد، زیرا در جهانی که جنایات نوظهور به راحتی در لایه‌های تکنولوژی پنهان می‌شوند، ثبت چنین تجربه‌هایی ضرورتی تاریخی و اخلاقی است.

کتاب «دشواری مبارک» نه تنها اثری مستند برای علاقه‌مندان به موضوعات مقاومت و فلسطین محسوب می‌شود، بلکه از منظر رسانه، تاریخ‌نگاری جنگ، تحلیل تکنولوژی در خدمت سرکوب، و همچنین جامعه‌شناسی جنگ نیز قابل مطالعه است.

این اثر، تلاش دارد یک جنایت مدرن و بی‌سابقه را که در رسانه‌های جهانی کمتر بازتاب یافت، از دل روایت‌های زنانه و انسانی، زنده نگه دارد. در واقع، نویسنده، نه تنها به دنبال ثبت یک فاجعه، بلکه به دنبال ساختن حافظه‌ای جمعی از آن است. حافظه‌ای که نه فقط از سر دلسوزی، بلکه با هدف بازخواست تاریخی و اخلاقی طراحی شده است.

### **در برشی از کتاب می‌خوانیم:**

خواندن این کتاب می‌تواند به غایت دشوار باشد. ممکن است نتوانید روایتی هولناک را تمام کنید یا مجبور شوید یکی یکی دستمال‌های جعبه کنار دستتان را با اشک و فین خیس کنید یا پوست لب هایتان را بجوید. ولی باور کنید به همان اندازه که دشوار است مبارک است؛ حتی ضروری است.

تصور ما از موقعیت خطرناک و کشنده وقتی است.

که جایی بمبی می‌ترکد موشکی می‌افتد، توپی شلیک می‌شود حتی تیری از لوله تفنگی شلیک می‌شود؛ اما این کتاب روایت‌هایی است از قربانیان یکی از عجیب‌ترین جنایات‌های تاریخ موقعیتی که خطر از جایی است که هرگز فکرش را نمی‌کردی، وقتی که اصلاً جنگی نیست و تو هم توی میدان جنگ نیستی توی خانه ات داری ناهار می‌خوری توی تخت دراز کشیده‌ای توی سوپر مارکت مشغول خریدی و یکوهو یک وسیله الکترونیکی کم‌خاصیت می‌ترکد و تو و خانواده ات را برای بقیه عمر دچار دشواری میکند.

**کتاب «دشواری مبارک» در ۱۷۰ صفحه، قطع رقی، با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه و قیمت ۱۷۰ هزار تومان، توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.**